

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق*

در سه حوزه اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی

مهدیه سادات مستقیمی**

چکیده

گستره ارتباط معنایی آیات، بسیار وسیع است، ولی اهداف، روش‌های علوم و تفکیک مرزهای دانش، سبب شده در هر دانشی به برخی از ابعاد ارتباط بین آیات توجه شود؛ برای دستیابی به نگرشی همه جانبه در مسئله طلاق باید ارتباط معنایی آیات در تمام جهات پنهان و آشکار مورد ملاحظه قرار گیرد. در این مقاله ضمن تبیین تعامل معانی آیات در سه حوزه دانش اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی سعی شده مقولاتی نظیر عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، مجمل و مفصل، ارتباط آیات با شأن نزول، انحاء ارتباط سیاقی و وحدت سوره‌ها و تلفیق مفهومی در آیات طلاق مورد بررسی قرار گیرد و در هر مورد نمونه‌های عینی ارائه شود. لذا ضرورت نگرش‌های فرافقه‌ی در مسئله طلاق برای حسن اجرا و حسن تفسیر قوانین مبتنی بر فقه اثبات می‌شود.

کلید واژه

طلاق، اصول فقه، تفسیر، زبان‌شناسی، ارتباط معنایی، ارتباط سیاقی

* - تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۱۰؛ تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۳/۲۵

** - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قم mostaghimi.mahdiye@yahoo.com

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

طرح مسأله

آیات قرآن در جهات مختلف با یکدیگر ارتباط دارند. فهم کامل و همه جانبه مفاهیم، موضوعات و احکام یک مسئله در قرآن، منوط به توجه همه جانبه به ابعاد ارتباط معنایی آیات می‌باشد. مسئله طلاق نیز از اهم مسائلی است که باید بر مبنای اصل (أن القرآن یفسر بعضه علی بعض) در همه لایه‌ها و جهات ارتباطی آیات مورد بازبینی قرار گیرد. ولی متأسفانه به جهت بی‌توجهی به این نکته، نگرش‌های مربوط به مسئله طلاق، نگرش‌های کامل و مطابق با واقعی نیست.

از آسیب‌شناسی موجود در نگرش‌های مربوط به مسئله طلاق، این حقیقت روشن می‌شود که علاوه بر عوامل اجتماعی و فرهنگی، وجود یک آسیب بنیادین در زیرساخت‌های حوزه نگرش‌های علمی، مسبب برخی از ضعف‌های نگرشی در ابعاد مسائل طلاق است. یعنی این آسیب، نوعی عارضه است که در نحوه تعامل برخی از دانش‌ها متکفل تبیین ارتباط معنایی آیات می‌باشند. این دانش‌ها با حدود و ثغوری که ناشی از تفاوت غایات، مسائل، اهداف و موضوعات است، از هم ممتاز شده‌اند و در هر یک از این سه دانش به ارتباط معنایی آیات از جهت خاصی توجه شده است. این مطلب سبب گسست‌ها و فواصلی در نگرش‌ها می‌شود، در حالی که برای فهم همه ابعاد ارتباط معنایی آیات، باید از ظرفیت همه دانش‌ها بهره جست. این فرآیند صحیح نیست که هر دانشی به برخی از وجوه ارتباطی آیات بنگرد و نتایج خود را در حصار همان دانش نگاه دارد، بلکه باید ترتیبی اتخاذ شود که همه ظرفیت دانش‌ها در جهت رصد نمودن ظرایف ارتباطات بین آیات قرار داده شوند. از ترکیب و مزج معقول و منطقی آیات در یک مهندسی نگرشی، چشم‌انداز وسیع‌تری در حوزه مسائل طلاق به دست می‌آید و با این چشم‌انداز نه

تنها از احکام اولیه فقهی طلاق در متن قانون‌پردازی می‌توان استفاده نمود. بلکه با پیوست‌های فرهنگی مبتنی بر آن نگرش‌ها، زمینه برای مواردی نظیر اجتهاد مسائل در حوزه فقه حکومتی، حسن اجرا و حسن تفسیر قانون فراهم می‌شود.

روش بحث و استدلال در این مقاله این‌گونه است که نخست با بیان کلیات و مفاهیم پایه‌ای نظیر مفهوم طلاق، نحوه تشریح آن در قرآن، بیان مفهوم ارتباط معنایی آیات و ... زمینه برای ورود به بحث آماده شده، آن‌گاه با ذکر نمونه‌هایی عینی و کاربردی در مسئله طلاق، به دست می‌آید که با ظرفیت‌های موجود در دانش‌های مختلف می‌توان وجوه بیشتری از ارتباط معنایی آیات را رصد نمود. بنابراین روش استدلال در این مقاله صرفاً استقرائی، استنباطی و توصیفی با ذکر نمونه‌های عینی مربوط به مسئله طلاق است.

این مقاله بر آن است که با ذکر نمونه‌های متعدد به این سؤالات پاسخ دهد. ارتباط معنایی آیات چیست و چگونه با توجه به این مقوله می‌توان در ابعاد مسئله طلاق، به نتایجی رسید؟ چگونه می‌توان از منظر سه دانش اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی، به ابعاد مختلف وجوه ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق توجه کرد؟ آیا می‌توان از این رهگذر به ظرایفی نگرشی پیرامون مسئله طلاق رسید؟ آیا می‌توان فراتر از روش متداول در اصول فقه با تأکید بر برخی دیگر از جنبه‌های تفسیری مربوط به ارتباط آیات، به نگرش‌هایی در حوزه طلاق رسید که احکام فقهی حقوقی در آن باره سکوت نموده‌اند؟ آیا اثبات وسعت ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق با روش موردنظر می‌تواند به آفرینش راهبردهایی برای حل بعضی از مشکلات کاربردی در حوزه تدوین، تفسیر و اجراء قانون منجر شود؟

۱) تبیین مفاهیم پایه

۱-۱) جایگاه قرآن و مفهوم طلاق

یکی از مفاهیم پایه که به عنوان قیدی در موضوع اخذ شده، مفهوم طلاق است. - طلاق در لغت، اسم مصدر از ریشه (طلق، يطلق) است که در معنای «إطلاق» و «تطریق» به کار می‌رود (طریحی، بی‌تا: ج ۵، ص ۲۰۷). طلاق با مفهوم آزادی، رهایی و خالی شدن از پیوند، عهد و پیمان همراه است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ص ۶۸۴).

- طلاق در اصطلاح فقهی به معنای زائل نمودن قید و پیوند نکاح با صیغه مخصوص است (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۱۲، ص ۲۷۴). در اصطلاح علم حقوق نیز نوعی رفع قید نکاح می‌باشد (امامی، ۱۳۶۶: ص ۲). به تعبیر دیگر طلاق در علم حقوق، نوعی ایقاع است که با تشریفات خاصی به انجام رسیده و به موجب آن عقد نکاح از بین می‌رود (محقق، ۱۳۶۰: ص ۳).

تشریح احکام طلاق در قرآن، در تطابق با نسخه تکوین و با ملاحظه همه مصالح نوعی و فردی در ساحت حریم خصوصی و اجتماعی، به انجام رسید. ۵۰۰ آیه از مجموع آیات قرآن یعنی ۱/۱۳ آن در حوزه احکام عملی است و حدود ۳۵ آیه به مسئله طلاق و برخی از حواشی و ملحقات آن اختصاص دارد. چهار مورد ذیل از شایع‌ترین صورت‌های طلاق در دوره جاهلیت قبل از ظهور اسلام است:

- طلاق ضرار: به موجب این نوع طلاق، زنان متضرر می‌شدند و قرآن از این نوع طلاق نهی فرمود (طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۲، ص ۲).

- لعان: به موجب لعان بعضی از حقوق الهی از بین می‌رفت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۱۱۹). حتی گاهی لعان به واسطه نفی ولد اتفاق می‌افتاد (حلی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۶۴۹).

- ایلاء: مرد در گفتار خود، نزدیکی به همسرش را برای مدتی یا برای همیشه بر خود حرام می نمود (حیدری، ۱۳۶۲: ص ۵۴).

- ظهار: در ظهار که با لحن رکیکی به انجام می رسید، همسر همانند مادر بر مرد حرام می شد (شهید ثانی، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ص ۱۱۶).

با تشریح طلاق در قرآن، الگوهای جاهلی، منحنط گردیده و الگوهای کارآمد، نظیر طلاق خلع، رجعی، مبارات و بائن ارائه شد و مواردی جدید نظیر ارتداد (یعنی کفر بعد اسلام) به عنوان عوامل حرام شونده زن بر مرد معرفی گردید (شهابی، ۱۳۶۹: ج ۳، ص ۲۰).

۲-۱) محدوده ارتباط معنایی آیات

آیات قرآن با یکدیگر روابط گوناگونی دارند. این روابط در ظاهر و باطن قرآن ساری و جاری است که برخی با اندک تأملی قابل اکتشاف است؛ اما فهم برخی دیگر از این ارتباطات به تلاش بیشتری نیازمند است. میزان وسعت یا محدودیت ارتباطی که آیات با یکدیگر دارند (در نظریاتی مبنایی) مورد اختلاف است. ذیلاً به سه نظریه اصلی در این باره اشاره می شود:

۱-۲-۱) ارتباط معنایی تمام آیات

مطابق این نظریه، قرآن بر اساس لوح محفوظ نازل شده و ترتیب آن توقیفیت دارد و همه آیات قرآن با یکدیگر به نوعی مرتبط هستند. گستره ارتباط معنایی آیات مطابق این نظریه، بسیار وسیع و فراگیر است (ر.ک. سیوطی، بی تا: ص ۷۳).

۲-۲-۱) ارتباط برخی از آیات با یکدیگر

به مقتضای این نظریه، ارتباط معنایی آیات محدود می شود و فقط حوزه خاصی

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

را شامل می‌گردد. به عنوان مثال این رویکرد در برخی از جهت‌گیری‌ها، تنها ارتباط آیاتی را که در یک زمان، نازل شده‌اند، می‌پذیرد. مطابق این نظریه عده‌ای فقط قائل به ارتباط درون‌گروهی آیات شده و ارتباط برون‌گروهی را نمی‌پذیرند (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ص ۳۰۸).

۳-۲-۱) عدم وجود ارتباط معنایی بین آیات

این نظریه مربوط به قلیلی از مستشرقان است و بین دانشمندان اسلامی، قائلی ندارد. مطابق این نظریه هیچ نوع ارتباط معنایی تعریف‌شده‌ای بین آیات قرآن نیست (ر.ک. خرمشاهی، ۱۳۶۲: ص ۱۲).

۴-۲-۱) تحلیل

نظریه زیرساختی که اساس این مقاله است نظریه نخست می‌باشد، بر اساس این نظریه هر یک از مفاهیم، موضوعات و احکام قرآن باید در گستره بازناب همه مفاهیم و احکام آیات بازبینی شوند؛ زیرا بین همه آیات قرآن، ارتباط معنایی وجود دارد. مطابق این نظریه، مفهوم‌سازی قرآن از معنای طلاق و سپس سیر این مفهوم در بستر سایر معانی و مفاهیم، نباید خارج از حیطه نگرش‌های زیرساختی، انسان‌شناسی و جهان‌بینی زیربنایی قرآن مورد بررسی قرار گیرد. البته هدف مقاله این نیست که با گشودن افق‌های جدیدی از ارتباط معنایی آیات، بخواهد روشی جدید در علم اصول فقه ایجاد کند؛ بلکه فقط می‌خواهد با ذکر نمونه‌هایی این حقیقت را ثابت کند که با دقت بیشتر در جوانب مسئله طلاق (در پرتو قرآن) می‌توان به نگرش‌های وسیع‌تر و جدیدتری دست یافت.

۲) اصول فقه و ارتباط معنایی آیات طلاق

«یکی از دانش‌هایی که در کنار سفره قرآن نشسته و از آن بارور شده، دانش اصول فقه است که از متدلوژی فقه بحث می‌کند» (صدر، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۳۱). «اصول فقه، علمی است که غایت آن قدرت بر استنباط احکام شرعیه از مدارک اصلی آن است» (نائینی، ۱۴۰۴ق: ج ۲-۱، ص ۲۹). بسیاری از مقولات اصول فقه فقط در فرآیند اجتهاد و استنباط احکام کارآیی دارد، مطالبی نظیر مقدمه واجب، اجماع، استصحاب و ... از این قبیل است. ولی بعضی از مطالب اصول فقه هم می‌تواند در خدمت استنباط حکم درآید و هم می‌تواند فراتر از این حوزه در سایر بخش‌های دین کارآمد باشد. ارتباط معنایی آیات هم مربوط به بخش احکام دین است و هم در بخش اخلاق و اعتقادات مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

در هر حال ریشه دانش اصول فقه به این نکته باز می‌گردد که شخص بتواند بر فهم احکام عملی مکلف از متون دینی و بر اساس اصول اصلی مسلط گردد (ر.ک. فیض، ۱۳۶۷: ص ۱۵۰).

۱- ۲) عام و خاص

گاهی حکم عامی در قرآن بیان شده و عمومیت این حکم به وسیله آیه دیگری تخصیص یافته است. اگر ارتباط معنایی آیات مخصّص با آیات عام در مسئله طلاق مورد ملاحظه قرار نگیرد؛ حکم حقیقی و نفس‌الامری از آن فهمیده نمی‌شود. «ایجاد ارتباط بین عام و خاص، سبب می‌شود، گستره شمول عام، تحدید گردد. این تحدید گاهی از طریق تضییق یا توسعه حکم و گاهی از طریق تضییق و توسعه موضوع است. در قرآن موارد زیادی از آیات عام تخصیص یافته وجود دارد» (سیوطی، بی تا: الالتقان فی علوم القرآن، ص ۳۱۹).

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

به عنوان مثال در آیه «یا ایها النبئی اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن...» (طلاق، ۱) وجوب عده برای همه زنان تعمیم دارد، زیرا کلمه «النساء» واژه‌ای است که با نشانه الف و لام و هیئت جمع، دلالت بر عموم زنان می‌نماید؛ ولی مخصوص آن به صورت منفصل در سوره دیگر آمده: «ثم طلقتموهن من قبل ان تمسوهن فما لكم علیهن من عدة تعتدونها» (احزاب، ۴۹). مطابق مفاد این آیه زنان مطلقه قبل از نزدیکی عده ندارند.

ارتباط عام و خاص یکی از مشهورترین و ساده‌ترین انواع ارتباط معنایی بین آیات است و به خوبی قابل فهم بوده و در علم اصول فقه نیز بسیاری از جوانب آن تبیین شده است.

۲-۲) مطلق و مقید

یکی دیگر از موارد ارتباطی بین آیات که اگر مورد توجه قرار نگیرد، مراد واقعی قرآن، واضح نمی‌شود. «ارتباط بین آیات مطلق و مقید است. حمل مطلق بر مقید از قواعد مسلم عرفی و اصولی است» (مطهری، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۳۵). برای مطلق و مقید در آیات طلاق می‌توان مورد ذیل را ذکر نمود.

«لاتخرجهن من بیوتهن و لایخرجن...» (طلاق، ۱). حرمت خروج زن از منزل شوهر (در ایام عده) همچنین عدم جواز اخراج زن از منزل شوهر به صورت مطلق بیان شده است، اما در آیه دیگر: «فإذا بلغن أجلهن فأمسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف...» (طلاق، ۲) این «حکم» به طلاق مرتبه اول و دوم مقید می‌شود «الطَّلَاق مرتان... فامساک بمعروف أو تسریح باحسان» (بقره، ۲۲۹). اما در طلاق مرتبه سوم، حق سکنی برای زن واجب نیست و زن می‌تواند در مکان دیگری ایام عده را بگذراند. این حکم از فهم ارتباط معنای آیه مطلق و آیه مقید به دست آمده است

و اگر این ارتباط معنایی مورد ملاحظه قرار نگیرد، مراد حقیقی قرآن در برخی از احکام تکلیفیۀ طلاق، مستور می‌ماند.

۲-۳) ناسخ و منسوخ

برخی از آیات به واسطه آیه دیگر نسخ شده‌اند «در مورد تعداد آیات ناسخ و منسوخ بین علماء اختلاف است» (خراسانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۰۹). خداوند می‌فرماید: «والذین یتوفون منکم و یدرون ازواجاً وصیة لأزواجهم متاعا الی الحول غیر إخراج فان خرجن فلا جناح علیکم...» (بقره، ۲۴۰). (زنانی که شوهرانشان از دنیا می‌روند تا یک سال نباید همسر جدیدی برگزینند و در این مدت حق سکنی در منزل شوهر داشته و نمی‌توان آنها را خارج کرد). ولی در آیه دیگر «والذین یتوفون منکم و یدرون ازواجاً یتربصن بأنفسهن اربعة أشهر و عشرأ فإذا بلغن أجلهن...» (بقره، ۲۳۴) این مطلب نسخ شده است. زیرا در این آیه ایام عده وفات در قالب چهار ماه و ده روز تشریح گردید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۲۵۱).

۲-۴) مجمل و مفصل

در بعضی از آیات، مطلبی به صورت مجمل مطرح شده و در آیات دیگر همان مطلب به صورت مفصل توسعه داده شده است (ابن تیمیه، بی‌تا: ص ۹۳). به عنوان نمونه در آیه «وللمطلقات متاع بالمعروف حقا علی المتقین» (بقره، ۲۴۱) برای زنان مطلقه، نوعی حکم و جوبی یا استحبابی درباره متاع و بهره تشریح گردیده، ولی درباره میزان پرداخت این متاع، مطلبی بیان نشده، اما در آیه «لا جناح علیکم إن طلقتم النساء ما لم تمسوهن او تفرضا لهن فریضة و متعهن علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعا بالمعروف» (بقره، ۲۳۶) بر این امر تأکید شده که توانگر به اندازه توان و دارایی خود و تنگدست نیز در

حد بضاعت خویش، شایسته است متاعی را به زن مطلقه مبدول نماید.

۳) تفسیر و ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند ارتباط معنایی آیات را مورد بررسی قرار دهد، حوزه تفسیر قرآن است؛ البته حوزه دانش تفسیر با حوزه دانش اصولی تباین ندارد، بلکه در مواردی تداخل دارند.

شهید صدر رحمته‌الله در مقایسه روش تفسیر در حوزه اصولی و حوزه تفسیری صرف، می‌نویسد: روش و متدولوژی فقه در تفسیر آیات الأحکام روش تفسیر موضوعی است. ایشان یکی از علت‌های رکود دانش تفسیر نسبت به فقه را تکیه نمودن افراطی در دانش تفسیر بر روش تفسیر تجزیه‌ای و ترتیبی می‌داند؛ زیرا در این روش ارتباط معنایی و موضوعی آیات از جهاتی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. فقه به یک معنا تفسیر احادیث پیامبر، ائمه اطهار و آیات قرآن است و اصول فقه نیز چیزی جز نوعی روش تفسیری نیست. تفسیر تا به صورت ترتیبی باشد، پیوسته حالتی ثابت و بی‌حرکت داشته و جز در مواردی، گامی به جلو برنداشته است و همه این کاستی‌ها، ناشی از بی‌توجهی به ابعاد گستره ارتباط معنایی آیات است (ر.ک. صدر، بی‌تا: صص ۱۸-۱۵).

در تفسیر موضوعی نیز ارتباط معنایی آیات مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. «روش تفسیر موضوعی گرچه به قدمت تفسیر ترتیبی نمی‌رسید و پس از ظهور تفاسیر روایی و متأثر ظهور و بروز کرد. اما همانند تفسیر ترتیبی به تدریج با تفسیر قرآن به قرآن و جمع‌بندی‌های موضوعی در ذیل تفاسیر ترتیبی در قرن معاصر رشد و تکامل یافته است» (ایازی، ۱۳۶۸: ش ۲۸، ص ۱۴۵).

اساس تفسیر موضوعی را تفسیر آیه به آیه و تفسیر آیات به صورت موضوعی

تشکیل می‌دهد. در این حال نباید بین تفسیر موضوعی آیات طلاق و تفسیر آیه به آیه در آیات طلاق خلط نمود، زیرا هر چند مفسر در هر دو روش تفسیری، برای فهم و تفسیر از همه آیات بهره‌جسته و ارتباط معنایی آیات طلاق را در یک مجموعه مورد ملاحظه قرار می‌دهد، اما اهداف متمایز این دو روش، سبب می‌شود که بین آنها تفاوت‌هایی باشد.

هدف مفسر آیه به آیه، از استمداد آیات مشترک المضمون، فهم بهتر و جامع آیه‌ای است که در حال تفسیر آن می‌باشد. وی آیات مذکور را فراخوانده تا به مدد آنها به صید معانی بیشتر و عمیق‌تری از آیه مورد تفسیرش بپردازد، اما اگر مفسر موضوعی، آیات نظیر و مرتبط با یک موضوع را در کنار هم قرار می‌دهد، در واقع گردآوری آیات، مسبوق به تئوری است که در ذهن مفسر می‌باشد، به علاوه مفسر موضوعی بر اساس ارتباطی معنایی که بین آیات درک می‌کند، تماماً در این اندیشه است که به پرسش خود حول آن موضوع پاسخ دهد (رک. صدر، بی‌تا: صص ۱۸-۱۵).

بدین‌گونه وقتی غرض و هدف دوگانه شود، نه تنها انتظار از ترکیب و دسته‌بندی دگرگون می‌شود، بلکه در حقیقت، تمایز و تغایر اهداف در انتخاب، ترکیب و هندسه آیات بی‌تأثیر نخواهد بود. لذا در تفسیر آیه به آیه پیرامون مسئله طلاق باید نوعی روش تفسیر ترتیبی اتخاذ گردد نه موضوعی، ولی علیرغم این مطلب روشی که ارتباط معنایی آیات در آن بیشتر است، مورد توجه قرار می‌گیرد.

در دانش تفسیر، به ارتباط معنایی آیات در مقولات دیگر تأکید بیشتری می‌شود. ارتباط معنایی آیات با شأن نزول، ارتباط آیات با سوره و همه اشکال ارتباط سیاقی را می‌توان از زمره این مقولات برشمرد. برخی از این ارتباطات معنایی در ذیل بیان می‌شود:

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

۱-۳) ارتباط محور سوره‌ها با آیات

به زعم عدم نزول یک‌باره قرآن، آیات هر سوره نوعی وحدت موضوعی دارند و هر سوره به گونه‌ای منشوروار در جهت محورهایی حرکت می‌کند (مسلم، ۱۴۱۸ق: ص ۵۸). نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله نیز چنین است. ایشان در مقدمه تفسیر برخی از سوره‌ها موضوعات و محورهای اصلی را بیان می‌کنند هماهنگی کلی آیات در یک سوره دارای شگفتی‌های بسیار است و سوره‌ها همانند خطوط پراکنده و بی‌نظمی نیستند که هیچ‌گونه ارتباط ساختاری میان آنها وجود نداشته باشد. «توجه به همبستگی آیات سوره در تفسیر قرآن بسیار حائز اهمیت بوده و تجزیه آیات قرآن و تفسیر هر یک جدای از تمام سوره بیش از هر چیز برای قرآن زیان‌آور است» (بی‌آزار شیرازی، بی‌تا: ص ۳۸).

برای نمونه به آیات سوره طلاق توجه می‌شود. سوره طلاق متضمن بیان کلیاتی از احکام طلاق و در پی آن بیان موعظه، انذار و تبشیر است. این سوره به گواهی سیاقی که دارد، سوره‌ای مدنی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰-۱۹، ص ۳۲۳).

اولین آیه سوره طلاق، به صورت مستقیم و روشن درباره طلاق زنان، احصاء عده، سکونت در مدت عده و ... بحث می‌کند. آیه دوم نیز درباره تصمیمی است که باید پس از سر رسیدن اجل عده به انجام رسد، در آخرین فقره از آیه دوم، مضمون اعتقادی و اخلاقی ویژه‌ای مطرح می‌شود که هر کس تقوای الهی پیشه گیرد، خداوند برای آن فرد گشایشی قرار می‌دهد. سپس در آیه سوم، مضمون اعتقادی اخلاقی را به صورت دیگری مطرح می‌کند و می‌فرماید: خداوند وعده می‌دهد که هر کس تقوای الهی داشته باشد، از آن جایی که گمان نمی‌کند، روزی او را می‌دهد و هر کس به خدا توکل کند، خداوند او را کفایت می‌کند و خداوند

امر خود را به انجام رسانده و برای هر چیز قدر و اندازه‌ای قرار داده است. در آیه چهارم، خداوند متعال درباره عده زنان یائسه و زنان حامله بیاناتی می‌فرماید و در فقره آخر آیه، مضمون اعتقادی اخلاقی را تکرار می‌فرماید که هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند در اموراتش یسر و آسانی می‌فراهم می‌نماید.

در آیه پنجم آثار اخروی تقوای الهی را بیان می‌نماید: هر کس تقوای الهی پیشه کند، بدی‌های وی بخشیده شده و اجر عظیمی به وی داده می‌شود. آیات ششم و هفتم درباره مسکن و اجرت زنان مطلقه و نحوه معامله با ایشان و میزان انفاق می‌باشد و در آخر آیه، باز هم سخن از وعده الهی است که پس از عسر و سختی، یسر و سهولت را به بندگان خود تحیت می‌نماید. آیات هشتم تا دهم موعظه و انذار از عذاب خدا است. علامه طباطبایی رحمته‌الله معتقد است: «این انذار و توصیه‌ها، تأکید و ضامن اجرایی برای عمل به احکام تشریحیه طلاق است. اشاره به آثار وضعی و وبال گناهان و تأثیر آن در سوء عاقبت نیز از جمله حقایق این آیات است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۲۰-۱۹، ص ۳۳۷).

در آیه یازدهم، به فرآیند نبوت، جهت اقبال مردم به ایمان و عمل صالح اشاره می‌شود و ضمن تبشیر به جنت، مجدداً به مسئله رازقیت تذکر داده می‌شود. در آخرین آیه به خلقت آسمان‌ها و زمین و تنزل امور در بین آنها، قدرت مطلقه و علم واسع خداوند اشاره شده است.

علامه طباطبایی رحمته‌الله معتقد است: «وحدت فراگیری بر مجموعه آیات هر سوره سیطره دارد. در سوره طلاق نیز، وحدتی لطیف، همچون شیرازه‌ای موزون پیوستگی و ارتباط معنایی خاصی را در بین آیات ایجاد می‌نماید. سوره‌ها تفاوت دارد و هر سوره برای هدف و مقصد خاصی عرضه شده که جز با اکمال آن، سوره پایان نمی‌یابد» (همان، ج ۱، ص ۱۲).

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

یکی از وجوه ارتباطی آیات طلاق با کل سوره این است که طلاق واقعیتی بسیار تلخ از نظر عاطفی، اجتماعی و اقتصادی است. از سایر جهات نیز یک بحران بزرگ تلقی می‌شود. مضمون اعتقادی اخلاقی حاکم بر سوره طلاق توجه به این وعده الهی است که نجات، خلاصی، رزق، یسر و پاک شدن از بدی‌ها در گرو پیشه نمودن تقوای الهی و توکل به خداوند است. اعتقاد به این سنت الهی ایجاد یسر پس از عسر است و اعتقاد به این که خداوند روزی‌ها را آن‌گونه که شایسته است، اصلاح می‌فرماید و اعتقاد به این که خداوند بر همه چیز قادر و همه چیز را می‌داند، از اعتقاداتی است که می‌تواند از بحران طلاق کاسته و مرد و زن را به صراط مستقیم هدایت نماید، نیم‌نگاهی به روح این مضمون اعتقادی اخلاقی در کل سوره طلاق جاری است؛ بنابراین می‌توان مدعای فوق را ثابت نمود:

نمایه سنت‌های تکوینی تشریح طلاق

آسانی پس از سختی نسبت به متوکلین و متقین	رزق نیکو به مؤمنین و صالحین	راه خروج از سختی نسبت به متقین	کفایت خدا نسبت به متوکلین	آسان شدن کارها برای متقین و متوکلین
--	-----------------------------	--------------------------------	---------------------------	-------------------------------------

۲-۳) سیاق آیات و ارتباط معنایی

سیاق، ساختاری است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و آیات سایه می‌افکند و بر معنای آنها تأثیر می‌گذارد. علامه طباطبایی رحمته‌الله دلالت سیاق آیات را مورد توجه قرار داده و آن را از ظاهر روایات قوی‌تر می‌داند (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۷، ص ۷). مبنای عمل این است که ایشان آیات قرآن را اصل قرار داده و روایات

را بر آن عرضه می‌کنند و حتی دلالت سیاقی را بر ظاهر روایات ترجیح می‌دهند. لازم به ذکر است که سیاق انواعی دارد: سیاق کلمات، جمله‌ها، آیات و سوره‌ها که همه این موارد از اقسام ارتباط معنایی سیاقی است.

۳-۳) سیاق آیات و ارتباط با معنای کلمات

برخی از مفسرین نه تنها از سیاق چند آیه نسبت به یکدیگر بحث می‌کنند بلکه سیاق آیات را نسبت به مفردات نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهند.

سیاق کلمه‌ها، شکل‌های گوناگونی از قبیل مبتدا و خبر، فعل و فاعل، فعل و نایب فاعل، فعل و مفعول و معطوف و معطوف علیه دارد. قرینه بودن این نوع ارتباط معنایی سیاقی و تأثیر آن در تعیین و تحدید معنایی واژه‌ها از قوی‌ترین ارتباطات معنایی سیاقی است. به عنوان نمونه در آیه «... فی ازواج ادعیائهم اذا قضاوا» (احزاب، ۳۷) کلمه «ادعیائهم» با قرینه سیاق آیه به «پسرخواندگان»، اطلاق می‌شود در حالی که بدون در نظر گرفتن ارتباط سیاقی، این کلمه در چنین معنایی ظهور ندارد. (این آیه درباره طلاق زید و زینب و ازدواج زینب با رسول خدا ﷺ نازل شده است).

۳-۴) سیاق برخی از فقرات آیات با یکدیگر

در بسیاری از موارد، مفسرین برای درک مفهوم آیه، به سیاق فقرات دیگر آیه توجه می‌کنند و با فهم ارتباط معنایی بین فقرات یک آیه، محتوی و مفاد فقرات را به عنوان قراینی سیاقی برای تبیین ابعاد معنایی یکدیگر به کار می‌برند. بازتاب این تأثیر سیاقی را می‌توان در این آیه مشاهده نمود: «نساءکم حرث، لکم فأتوا حرثکم أتى شتمم و قدّموا لأنفسکم، و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین»، (بقره، ۲۲۳).

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

زنان شما محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمایید و سعی کنید که از این فرصت بهره‌گرفته و با پرورش فرزندان صالح اثر نیکی از خود پیش فرستید و تقوای الهی پیشه کرده و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و این گونه به مؤمنان بشارت دهید).

بعضی از مفسرین با بی‌توجهی به ارتباط معنایی که در سیاق مستتر است، از تعبیر «انی شئتم» این‌گونه استفاده می‌کنند که مراد مقاربت اعم از راه فرج یا غیر فرج است. ولی برخی از مفسرین معتقدند: قرآن از زنان در این آیه به «کشتزار» تعبیر نموده و به پرورش و ازدیاد نسل ترغیب فرموده است و لذا نمی‌توان این «تعبیر» را به آمیزش غیرطبیعی حمل نمود (کاشف، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۵۹۰). بازتاب و ثمره این نوع قرینه ارتباط سیاقی را می‌توان در سؤال و جواب فقهی ذیل (پیرامون طلاق) بازبینی نمود. (زیرا در آن‌گونه از آمیزش‌ها، باروری امکان‌پذیر نیست) سؤال: اگر زن و شوهری پس از عقد و قبل از مقاربت طبیعی، مقاربت غیرطبیعی داشته‌اند، بخواهند از یکدیگر «طلاق» بگیرند، آیا مهریه و سایر احکام ایشان، همان حکم مهریه و احکام کسی را دارد که مقاربت طبیعی انجام داده‌اند یا حکم آنها به منزله کسی است که اصلاً مقاربت انجام نداده‌اند؟ پاسخ این سؤال، بنا بر آن که مبنای ارتباط سیاقی تا چه میزان مورد ملاحظه قرار می‌گیرد متفاوت است.

اگر تعبیر «انی شئتم» بنا بر قرینه سیاق فقط منحصر به آمیزش طبیعی شود، حکم کسی که در زمان عقد، آمیزش غیرطبیعی انجام می‌دهد همانند کسی است که اصلاً مقاربت انجام نداده است و اگر کسی قراین معنایی سیاقی را کارآمد نداند، پاسخ متفاوت خواهد بود.

۳-۵) سیاق آیات قبل و بعد نسبت به آیه

یکی دیگر از وجوه ارتباط معنایی آیات، ارتباط بر اساس سیاق آیات قبل و آیات بعد است. سیاق آیات قبل و بعد بیشتر در تفسیر ترتیبی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، البته گاهی نیز در تفسیر موضوعی به کار می‌آید. بعضی معتقدند ارتباط این سیاق بیشتر در روش تفسیر موضوعی است و برای آن شرایطی نظیر ارتباط صدوری و ارتباط موضوعی قائلند (ر.ک. رجیبی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳). توجه به این نوع سیاق نیز در احکام مسئله طلاق تأثیرگذار است.

۳-۶) سیاق آیات با توجه به ترتیب نزول

در بین مفسرین درباره ترتیب نزول اختلافاتی است. برخی معتقدند: «این امر مدعایی است که از پشتوانه برهانی برخوردار نمی‌باشد، زیرا روشن است که مقصود از رعایت این اصل، اصلی عقلی و بدیهی یا شرعی و برگرفته از آیات و روایات نمی‌باشد (ر.ک. قمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹). در مورد کیفیت تأثیر ایجاد ارتباط معنایی بین آیات و ترتیب نزول، می‌توان به آیه: «یا ایها النبی قل لأزواجک ان کنتن تردن الحیاة الدنیا...» (احزاب، ۲۸) توجه نمود. این آیه به یکی از انگیزه‌های طلاق که همان دنیاطلبی زنان است، اشاره می‌کند. سپس در آیه شریفه «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم احداهن...» (نساء، ۲۰) به یکی دیگر از انگیزه‌ها و عوامل طلاق که اراده جایگزین نمودن همسر جدید به جای همسر اول است، اشاره می‌نماید. از ارتباط معنایی آیات به ترتیب نزول در این آیه می‌توان نتیجه گرفت، عامل دنیا طلبی نسبت به عامل هوس و تجدید فراش در بین عوامل طلاق، مهم‌تر بوده که خداوند آن را در ترتیب نزول مقدم داشته است. ولی کسانی که به ترتیب نزول چندان اصالتی نمی‌دهند، به صورت منطقی و حتمی چنین نتیجه‌ای نمی‌گیرند (ر.ک. زاهدی فر، ۱۳۸۸، صص ۱۰-۵).

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

۳-۷) ارتباط آیات با شأن نزول

آیات با شأن نزول خود ارتباط قویم و اکیدی دارند و فهم شأن نزول در فهم مراد حقیقی شارع از آیه مؤثر است. ارتباط آیه با شأن نزول را نمی‌توان از انحاء ارتباط سیاقی دانست ولی می‌توان آن را به عنوان لاحقۀ این بحث ذکر کرد.

خداوند متعال در ارسال قرآن به پیامبر اکرم ﷺ به طور یقین، به فضای حاکم، سبب نزول، فرهنگ، زمان و مکان و ویژگی‌های مخاطبان عصر نزول توجه داشته است (ر.ک. بابایی و همکاران، ۱۳۷۹: صص ۱۶۵ و ۱۴۵). به همین جهت یکی از مواردی که می‌تواند به عنوان ارتباط معنایی آیات مورد ملاحظه قرار گیرد، ارتباط معنایی آیات با شأن نزول است. «در برخی از کتاب‌های فارسی واژه «شأن نزول» به جای «سبب نزول» به کار رفته است. تفاوت این دو واژه از لحاظ مفهوم، تباین و از لحاظ مصداق، عام و خاص من وجه می‌باشد» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۴۵).

برخی از دانشمندان علوم قرآن در تعریف شأن نزول معتقدند: «شأن نزول، واقعه‌ای است که بخشی از قرآن کریم درباره آن نازل شده است» (معرفت، ۱۳۰۹: ج ۱، ص ۲۵۴). در آیات طلاق مثال بارزی که می‌توان برای ارتباط معنایی آیه‌ای با شأن نزول بیان نمود، این آیه است: «و اذ تقول للذی انعم الله علیه و أنعمت علیه، أمسک علیک زوجک و اتق الله و تخفی فی نفسک ما الله مبذیه و تخشی الناس و الله أحق أن تخشه، فلما قضی زید منها وطراً، زوجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم اذا قضاوا منهنّ وطراً و کان أمر الله مفعولاً» (احزاب، ۳۷).

ارتباط این آیه با شأن نزول آن به اصطلاح «دانش اصول» و «تفسیر» سبب تخصیص مورد نمی‌شود، بلکه شناخت فضای نزول به فهم بهتر حکم و محتوای آن مدد می‌رساند. این آیه شریفه درباره ازدواج زینب بنت جحش، دختر عمه

پیامبر اکرم ﷺ با زید بن حارثه پسر خوانده پیامبر اکرم ﷺ است. زید برده‌ای بود که پیامبر اکرم ﷺ وی را در مکه خرید و پس از آن که ایمان آورد، وی را آزاد نمود؛ ولی زید به شهر خویش بازنگشت و نزد پیامبر اکرم ﷺ ماند و پیامبر اکرم ﷺ وی را به عنوان پسرخوانده خود پذیرفت، زید همراه پیامبر اکرم ﷺ بود تا جریان هجرت پیش آمد و پس از آن با زینب دختر عمه پیامبر اکرم ﷺ ازدواج کرد، پس از مدتی بین آنها ناسازگاری پیش آمد و زید تصمیم به طلاق زینب گرفت. در تقدیر «زینب بنت جحش» این بود که در صورت مطلقه شدن، با پیامبر ﷺ ازدواج نماید تا سنت عدم جواز ازدواج زن پسرخوانده که در جاهلیت مرسوم بود، شکسته شود، ولی پیامبر اکرم ﷺ می‌دانست که مردم هنوز نمی‌توانند این حکم را بپذیرند، لذا به زید توصیه نمود که زینب را طلاق ندهد، اما ناسازگاری زید و زینب ادامه یافت، بالاخره طلاق انجام شد و خداوند حکم مقدر خود را نسبت به ازدواج پیامبر ﷺ و زینب جاری نمود (همان، ج ۱۷، ص ۳۱۷).

۴) زبان‌شناسی و ارتباط‌های معنایی آیات طلاق

بر اساس تحلیل‌های زبان‌شناسی نیز می‌توان، وجوه ارتباط‌های معنایی پنهان‌تر و جدیدتری را در بین آیات یافت. در برخی از این رویکردها می‌توان تعابیر زبانی را با پردازش‌های ذهنی مرتبط نمود. تعابیر زبانی می‌توانند با تحلیل‌های خاص «شناختی» معبری برای وصول به مراد متکلم باشند. گزینش واژه‌ها و نوع ترکیب، می‌تواند وسیله‌ای برای وصول به دریافت‌های بیشتری باشد.

یکی از نظریه پردازان معاصر در این باره می‌نویسد: «زبان‌شناسی شناختی، از دستاوردهای خاصی در تحلیل تعابیر زبانی سود می‌جوید. مطابق این نظریه، اعجاز شناختی قرآن در این است که مفهوم‌سازی‌های قرآن از موقعیت‌های

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

مختلف بی نظیرند. این نظریه در واقع به پردازش اطلاعات در آیات مربوط می - شود» (قائم‌نیا، ۱۳۸۶: ش ۳۱، ص ۴). این رویکرد نوعی رویکرد زبان‌شناختی است و با رویکرد ادبی (به معنای رایج) متفاوت است.

«اعجاز شناختی اولاً نسبت به اعجاز ادبی بنیادی‌تر است و به نحوه پردازش اطلاعات توسط خداوند مربوط می‌شود. ثانیاً مباحث زبان‌شناسی شناختی با مقوله مفهوم‌سازی قرآنی مرتبط است و بر اساس تحلیل‌های شناختی روشن می‌شود. ثالثاً این نوع رویکرد شناختی نسبت به وجوه ادبی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. واژه‌ها نقش مهم شناختی و معرفتی داشته و از حوزه‌های مختلف معرفتی، نمابرداری می‌کنند، از این رو گزینش واژه‌ها، حوزه‌های معرفتی خاصی را در ذهن مخاطب برمی‌انگیزاند» (همان، ص ۶). اعجاز شناختی قرآن، ابعاد بسیار مختلفی دارد، دو بعد مهم اعجاز را می‌توان در دو مقوله «تلفیق مفهومی» و «دستگاه توجه»، بازبینی نمود (همان، صص ۱۱-۱۰).

یکی از دستاوردهای مهم این نوع رویکرد به زبان قرآن این است که می‌توان از چشم‌انداز آن برخی از فضاهاى ذهنی و شبکه‌های مفهومی تلفیقی را در زبان قرآن شناسایی نمود. تلفیق مفهومی نشان می‌دهد، معنای یک ساختار چیزی بیش از مجموع معانی بخش‌هاست و این تلفیق، مکانیسم انتقال از یک قالب به یک قالب را نیز نشان می‌دهد و تأثیر فضاهاى گوناگون را در شکل‌گیری معنا نیز معلوم می‌کند و دستگاه توجه نیز می‌تواند تأکید عنایت متکلم را بر برخی از امور نسبت به امور دیگر را واضح‌تر نماید (همان، صص ۱۷-۱۱). زبان‌شناسی شناختی مبتنی بر این نظریه است که ساختار زبان، انعکاسی از شناخت می‌باشد؛ در این صورت تحلیل تعابیر زبانی و ارتباط آن با موقعیت‌های گوناگون می‌تواند حقایقی را بیش از معنای

اصلی آیه فرا راه متدبرین در زبان قرآن بگشاید.

۱-۴) تلفیق مفهومی

ادعای مفسران این است که با تفسیر آیات پرده از مراد حقیقی آیه برمی دارد؛ ولی در این بخش قصد تفسیر نیست، بلکه قصد گشودن زاویه جدیدی از راه تدبر در قرآن از پنجره «تلفیق مفهومی» در معانی آیات است. ذیلاً سعی شده بازتاب مقوله تلفیق مفهومی در نمونه‌ای از آیات مربوط به طلاق نشان داده شود، خداوند متعال می‌فرماید: «وإن اردتم استبدال زوج مکان زوج و ایتیم إحداهن قنطاراً فلاتأخذوا منه شیئاً، أتأخذونه بهتاناً و إثمأً مبیناً و کیف تأخذونه و قد أفضی بعضکم الی بعض و أخذن منکم میثاقاً غلیظاً» (نساء، ۲۱-۲۰). (اگر تصمیم گرفتید همسر دیگری را به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی که به عنوان مهریه (قبلاً) به وی پرداخته- اید، چیزی از مهریه پس نگیرید. آیا برای باز پس گرفتن مهر زنان به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟ و چگونه آن را باز پس می‌گیرید در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟ و آنها از شما (هنگام ازدواج) پیمان محکمی گرفته بودند).

چنانچه مشاهده می‌شود در این آیه از حقیقت تلخ جدایی زن و مرد با واژه «استبدال زوج مکان زوج» مفهوم‌سازی شده است، ولی در آیه: «وإن عزموا الطلاق، فإن الله سميعٌ علیم» (بقره، ۲۲۷). (اگر عزم طلاق دارید، همانا خداوند شنوا و داناست) از این واقعیت با واژه طلاق مفهوم‌سازی شده است.

آیه اخیر مربوط به «تشریح طلاق» است و با «واژه طلاق» از «واقعیت جدایی از همسر»، مفهوم‌سازی گشته و در آخر آیه نیز با دو صفت «سمیع» و «علیم» از خداوند یاد شده است. فضا‌سازی ذهنی از مسئله طلاق به واسطه تلفیق ارتباط

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

مفاهیم مجموعه این آیات، سبب می‌شود، در زمینه و فضای اندیشه مخاطب، فقط معنای اباحه طلاق مفهوم‌سازی شود، لکن در آیه ۲۰ سوره نساء به گونه‌ای از واقعیت جدایی از همسر یاد می‌شود که غیر از اباحه بارهای معنایی منفی نیز به ذهن می‌رسد. در این آیه از واژه «استبدال زوج مکان زوج» از این واقعیت، مفهوم‌سازی شده است. زیرا برخی از اقسام طلاق که به انگیزه‌های غیرعقلانه به انجام می‌رسد، بنا به تصریح سنت، مغبوض الهی هستند. خداوند مفهوم‌سازی از مسئله طلاق را در یک سیستم ویژه از فرآیندهای پنداری و شنیداری خاصی در این آیه به انجام رسانیده است. تعبیر «استبدال زوج مکان زوج» به صورت تلویحی از انگیزه و نیت جدایی از همسر در برخی از طلاق‌ها نیز پرده برمی‌دارد و آن انگیزه، جایگزین نمودن همسر دیگر به جای همسر اول است.

«تلفیق مفاهیم» در فقرات بعدی آیات و همچنین «تحلیل شناختی»، این فضا را در ذهن حاکم می‌کند که اگر افرادی قصد جایگزین نمودن همسر دیگری به جای همسر اول دارند، ممکن است در معرض این وسوسه قرار گیرند که حقوق همسر اول به ویژه حقوق مالی وی را نادیده بگیرند.

همچنین تعبیر «و قد أفضی بعضکم الی بعض» نیز به صورت تلویحی، یاد و خاطرات دوران مؤانست و آمیزش با زنان و همسر اول را در ذهن مفهوم‌سازی می‌نماید و تجدید خاطرات گذشته مانعی عاطفی برای طلاق‌هایی است که به انگیزه هوس‌های زودگذر انجام می‌شود.

در فراز دیگری از این آیه خداوند با تعبیر «میثاق غلیظ» از مسئله «ازدواج» و «مهریه» مفهوم‌سازی می‌کند و این مفهوم چنان محکم و تأثیرگذار است که ضامنی جدی برای هویت و تربیت در این حوزه به شمار می‌آید. این نوع

مفهوم‌سازی ذهن را به این سوگرایش می‌دهد که علیرغم اباحه طلاق، از نقض این میثاق غلیظ پرهیز گردد. نمایه تلفیق مفهومی در این آیات بیانگر برخی از حقایقی است که ذیلاً اشاره می‌شود:

نمایه تلفیق مفهومی استبدال زوج مکان زوج

بیاوری آمیزش و موانست قبلی	غلیظ بودن میثاق ازدواج و مهریه	قیح تهمت به همسر اول	نهی از تضييع حقوق مالی همسران اول
----------------------------	--------------------------------	----------------------	-----------------------------------

تلفیق مفهومی می‌تواند تفاوت آیات مشابه را نیز به خوبی نشان دهد: «و إذ طلقتم النساء فبلغن أجلهن فأمسكوهن بمعروف أو سرحوهن بمعروف و لا تمسكوهن ضرراً» (بقره، ۲۳۱). (هنگامی که زنان را طلاق دادید و به آخرین روزهای عده رسیدند یا به طرز نیکویی ایشان را نگاه دارید (و آشتی کنید) یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن ایشان را نگاه ندارید). همچنین آیه: «الطلاق مرتان، فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان» (بقره، ۲۲۹).

مضمون این دو آیه در برخی از فرازها به هم شبیه است، ولی تعبیر «امساک بمعروف» ظاهراً در هر دو آیه تکرار شده؛ اما «امساک بمعروف» (بقره، ۲۳۱) به قرینه مقابله با «تسريح بمعروف» قرار گرفته است، ولی در آیه ۲۲۹، امساک به معروف به قرینه مقابله با «تسريح بإحسان» واقع شده و همین قرینه مقابله سبب مفهوم‌سازی متفاوتی می‌شود و باعث می‌گردد که معنای تعبیر «امساک بمعروف» در این دو آیه کمی متفاوت شود.

راوی به امام رضا علیه السلام می‌گوید: «فدايتِ مردم، همانا خداوند در کتابش

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

می‌فرماید: «فإمساک به معروف أو تسریح بإحسان» چه معنایی دارد؟ ایشان می‌فرماید: إمساک بمعروف، دست نگهداشتن از اذیت و آزار یا طلاق دادن براساس آیات قرآن است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۰۱، ص ۱۵۵).

۲-۴) تأمل در کانون‌های توجه

یکی از ابعاد مهم اعجاز شناختی قرآن نحوه توزیع کانون توجه است. نکته مهمی که زبان شناسان به آن توجه نموده‌اند، نقش پنجره‌ها در تعبیر زبانی است. نحوه حرکت و نوع بیان زنجیره‌های علی، می‌تواند نشان‌دهنده کانون‌های توجه در آیات باشد (ر.ک. قائمی‌نیا، ۱۳۸۶: ش ۳۱، صص ۲۰-۱۸). به عنوان نمونه: «والمطلقات یتربصن بأنفسهن ثلاثة قروء و لا یحلّ لهن أن یتکتمن ما خلق الله فی ارحامهن ان کن یمؤمن بالله والیوم الآخر و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا إصلاحاً و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجه والله عزیز حکیم» (بقره، ۲۲۸). (زنان مطلقه باید مدت سه پاکی انتظار بکشند (عده نگه دارند) و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند، برای آنان حلال نیست که آن چه را خدا در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند و همسرانشان برای بازگردان و از سرگرفتن زندگی زناشویی از دیگران سزاوارترند، در صورتی که به راستی خواهان اصلاح باشند و برای زنان همانند وظایفی که بر عهده آنهاست حقوق شایسته‌ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است). درباره مفهوم درجه اختلاف نظر است؛ موارد ذیل از جمله این آراء است:

منزلت و شأن ذاتی؛ منزلت و شأن اعتباری؛ حق طلاق مردان و کمال ایمانی مردان نسبت به زنان که به واسطه آن از کتمان حمل و حیض احتراز می‌نمایند (ر.ک. کاشف، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۶۰).

دقت در کانون‌های توجه برای رسیدن به مفاهیم بر اساس تحلیل شناختی تعابیر، این واقعیت را معلوم می‌کند که چه بسا کانون توجه در این آیه، اصالت حق طلاق نسبت به مردان است و چه بسا کشف این سیستم، توجهی به عنوان یک قرینه سیاقیه در تبیین مفهوم درجه است و این احتمال را راجح نماید که مراد از درجه، همان حق طلاق است. کلمه «درجه» در این آیه از واژه‌هایی است که در سیاق «مفرد نکره» آمده و دارای نوعی ایهام یا ابهام است. آیا واژه درجه، ناظر به اثبات مرتبت و منزلتی ذاتی برای مردان نسبت به زنان آن که در جریان طلاق است که با اعطاء اصالت طلاق به مردان، به زنان برتری داده شده است؟ علامه طباطبایی می‌فرماید: «منظور از درجه همان برتری و منزلت است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۳۴۹). ولی برخی مفسرین با توجه به ارتباط معنایی این واژه با فرازهای قبل معتقد هستند، مراد از درجه، همان طلاق رجعی است که در اختیار مرد بوده و در دست زنان نیست (زمخشری، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۶۰).

۳-۴) نظریه ایزوتسو

در دانش جدید زبانی به نحوه ارتباط معنای واژه‌ها توجه می‌شود؛ زیرا قلمرو کاربرد الفاظ در دانش‌های جدید زبانی، همواره بیشتر و وسیع‌تر از محدوده معنای وصفی، مورد توجه قرار می‌گیرد و کشف ارتباط واژه‌ها راهی روشن فراسوی این غرض است. واژگان در مقام استعمال، قابلیت اتصال به یک رشته ویژگی‌های عارضی مثل «مجاز»، «تخصیص»، «تقدیر» یا «اضمار» را دارند و در عین حال هر واژه‌ای در مقام کاربرد، بارهای معنای خاصی دارد. «ایزوتسو» یکی از قرآن پژوهشان شهیر معاصر می‌نویسد:

«شناختن معنای کلمات در واقع، کار چندان ساده‌ای نیست؛ زیرا این کلمات یا

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

تصورات، در قرآن به کار نرفته‌اند، بلکه با ارتباط نزدیک به یکدیگر مورد استعمال قرار گرفته‌اند. واژه‌های قرآن برخی از بارهای معنایی محسوس و ملموس دقیق خود را از مجموع دستگاه ارتباطی‌ای که با هم دارند به دست می‌آورند. این کلمات و واژه‌ها در میان خود، گروه‌های بزرگ و کوچکی می‌سازند و این گروه‌ها نیز بار دیگر از راه‌های مختلف با هم پیوند می‌شوند و سرانجام کل آنها نوعی شبکه پیچیده و به هم پیوسته از تصورات فراهم می‌آورند. آن چه که در حقیقت برای منظور خاص ما اهمیت دارد، همین نوع نظام و دستگاه تصویری است که بیش از مفاهیم و تصورات منفرد و جدا از یکدیگر در قرآن است، لذا برای تجزیه و تحلیل تصورات کلیدی فردی یک واژه هرگز نباید روابط متعددی را که هر یک از آنها با کل دستگاه دارد از نظر دور داشت (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ص ۶).

۱-۳-۴) معروف

یکی از واژه‌هایی که در آیات طلاق، چند بار وارد شده، واژه «معروف» است. برای پی بردن به مفهوم «معروف» نه تنها باید کاربرد این واژه را در آیه و در ارتباط با سیاق فرازهای هم‌نشین آن و همچنین آیات قبل و بعد در نظر گرفت، بلکه باید به نحوه کاربرد واژه در سایر آیات نیز تأمل نمود: کلمه معروف در آیات ذیل به کار رفته است:

- «وللمطلقات متاع بالمعروف حقاً علی المتقین» (بقره، ۲۴۲-۲۴۱)؛

- «وإذا طلقتم النساء فبلغن أجلهن فأمسكوهن بمعروف أو سرحوهن بمعروف و

لاتمسكوهن ضراراً» (بقره، ۲۳۱)؛

- «وإذا طلقتم النساء فبلغن أجلهن فلا تعضلوهن أن ينكحن أزواجهن إذا تراضوا بينهم

بالمعروف» (بقره، ۲۳۲)؛

- «فلا جناح علیکم اذا سلمتم ما اتیتکم بالمعروف واتقوا الله» (بقره، ۲۳۳):

- «فأمسوهن بمعروف أو فارقوهن بمعروف» (طلاق، ۲):

- «متعوهن علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف». (بقره، ۲۳۶).

واژه «معروف» در آیات طلاق، واژه‌ای کلیدی است. این واژه به عنوان حال یا

وصف در موارد ذیل تکرار شده است:

امساک (به معروف)؛ تسریح (به معروف)؛ ما اتیتکم (به معروف)؛ متاعاً (به

معروف)؛ تراضی (به معروف).

راغب اصفهانی معتقد است: «معرفت و عرفان به معنای ادراک شیء همراه

با تفکر و تدبر است؛ معرفت، أخص از علم است و با مفهوم «انکار» متضاد

است» (اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۶۰). وی درباره مفهوم «معروف» می‌نویسد: «معروف

فعلی است که عقل یا شرع آن را به عنوان امر نیکو و حسنه بشناسد و «منکر» هر

فعلی است که عقل یا شرع، نیکویی آن را نشناسد. «معروف» در آیه: «للمطلقات

متاع بالمعروف» (۲۴۱، بقره) به معنای اقتصاد و احسان است و «معروف» در آیه:

«فأمسوهن بمعروف أو فارقوهن بمعروف» به معنای «جمیل» نیز به کار می‌رود» (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۶۱). واژه معروف در غیر آیات طلاق برای موارد ذیل به صورت

وصف یا حال قرار گرفته است:

- «قول معروف» (بقره، ۲۶۳):

- «فلیأکل بالمعروف» (نساء، ۶):

- «وأمراً بالمعروف» (لقمان، ۱۷).

دقت در هم‌نشین‌های معنایی واژه «به معروف» و همچنین جانشین‌های معنایی

آن نشان می‌دهد، این واژه معمولاً در مواردی به کار می‌رود که علاوه بر آن که

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

تحسین ذاتی و عقلی معتبر است؛ تعیین مصداق نیز بر حسب عرف است. «امساک و تسریح» همسر، همانند قول، اکل و تراضی همه از اموری هستند که بر اساس آراء، معمولاً در مستقلات عقلیه و هم بر اساس ذوق عرف فطرت‌گرا و عرف عقلاء تعیین می‌شود. بنابراین کم و کیف دقیق و تعیین مصداق امساک به معروف یا تسریح به معروف نیز از همین زمره است. هویت دادن به بخشی از تشخیص‌های عرفی، مطلبی است که از تطابق و چالش استعمال واژه‌های معروف در قرآن به دست می‌آید.

علامه طباطبایی رحمته‌الله می‌نویسد: «معروف به معنای عملی است که افکار عمومی آن را بشناسد و با آن مأنوس باشد و با ذائقه‌ای که از نوع زندگی به دست می‌آید سازگار باشد؛ زیرا شریعت بر اساس خلقت است و معروف امری پسندیده است که موافق فطرت و عرف سالم باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۴).

معروف امری عرفی است که انفعالات نفسانی آن را از طریق فطرت عقل و فطرت دل خارج نکرده باشد. شاید این قضاوت درباره واژه «معروف» صحیح باشد: معروف سه خصوصیت دارد: در دایره‌گزینش‌های فطری و خواست‌های بشری است. چون بیانگر عموم مردم جامعه است، مقداری تحت تأثیر شرایط زمان و مکان نیز هست. «معروف» فراتر از عدالت است و صیغه «فضل» و «رحمت» و «احسان» نیز در آن مشاهده می‌شود (احمدیه، ۱۳۸۲: ص ۲۸).

(۵) نتایج

هرچند مسئله طلاق مربوط به حیطة عمل مکلف است و از ابواب ایقاعات فقهی به شمار می‌آید و مهم‌ترین جریان، بررسی ارتباط معنایی آیات طلاق در حوزه علم اصول فقه می‌باشد؛ ولی گستره ارتباط آیات فراتر از حوزه اصولی است

و نمی‌توان بررسی این ارتباط معنایی را منحصر به مواردی دانست که در علم اصول فقه، احصا گردیده‌اند.

واکاوی‌ها در حوزه اصولی بیشتر به منظور وصول به احکام خمس می‌باشد؛ ولی برای رسیدن به دستاوردهای بهتر و عمیق‌تر در زمینه نگرش‌ها، اخلاقیات و احکام مستحدثه باید در ابعادی فراتر از ابعاد اصولی نیز تأمل نمود و رابطه پنهان‌تر مفاهیم، تصورات و تصدیقات آیات را نیز کشف نمود.

حرکت تفسیر موضوعی در بطن تفاسیر ترتیبی نقطه عطفی برای اقبال به سوی دامنه‌شناسی بیشتر ارتباط معنایی آیات محسوب می‌شود. تفسیر موضوعی مانند هر روشی، روند تکاملی داشته است. صرف گردآوری آیات طلاق و استخراج مفاهیم، تفسیر موضوعی در مسئله طلاق نیست؛ بلکه ملاحظه روش تجزیه‌ای، ترتیبی و تلفیق آن با تفسیر موضوعی و همچنین اتخاذ متدلوژی پیشرفته‌ای برای اصطیاد همه روابط معنایی در سطح مفردات، جملات و سیاق‌هاست که می‌تواند در حوزه تفسیری به کشف بیشتر ارتباط معنایی آیات بینجامد. توجه به هم‌گرایی موضوع طلاق با سایر موضوعات و ملاحظه هم‌گرایی لایه‌های مختلف احکام قرآن در فهم مسئله طلاق نیز بر وسعت دامنه ارتباط مسئله طلاق با سایر مسائل قرآنی می‌افزاید.

در حوزه دانش‌های جدید زبانی می‌توان راهکارهایی برای کشف ارتباط معنایی آیات ارائه نماید. اگر چه در بسیاری از مباحث و مسائل با حوزه علم اصول فقه متداخل است؛ ولی به جهت گسترش رشته علم زبان‌شناسی و تعدد شاخه‌های علمی زیر مجموعه آن، می‌توان با استفاده از زوایای جدیدی از نگرش، به ابعاد نوین پنهانی از ارتباط مفاهیم زبانی در قرآن پی برد. نتایج این مقاله را می‌توان به دو بخش نظری و کاربردی تقسیم نمود:

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

۵-۱) نظری

۱-۱-۵) ترابط معارف و دانش‌ها علی‌رغم حدود و ثغوری که دارند، دارای روابط نزدیک و تعاملاتی در حل مسائل گوناگون می‌باشند.

۲-۱-۵) در مسائل پیچیده‌ای مانند حوزه مسائل زنان به ویژه حوزه طلاق و ازدواج که داری ابعاد منشورگونه مختلفی می‌باشد؛ در نظر گرفتن تعامل دانش‌ها اولویت بیشتری دارد و به حل بعضی از معضلات مهم احکام تکلیفیه اولیه و ثانویه در این مسئله کمک می‌نماید.

۳-۱-۵) مقتضیات جامعه اسلامی در هنگام حاکمیت قوانین مبتنی بر فقه ایجاب می‌کند که بسیاری از مسائل فقهی زنان در قالب فقه حکومتی تبیین گردد و تبیین فقه حکومتی مبتنی بر فرآیندهای پیچیده‌تری در اجتهاد است و برای به دست آوردن نتایج کامل‌تر از این روش‌های اجتهادی باید به سوی ابداع شیوه‌هایی گام برداشت که در طی آن همه ظرفیت‌های دانش‌ها برای بررسی ابعاد یک مسئله به‌کار گرفته شود. در مسأله طلاق نیز باید از همه توان‌مندی‌های علوم استفاده شود.

۵-۲) کاربردی

۱-۲-۵) قوانین مبتنی بر فقه در قالب قوانین مدنی در همه دستگاه‌های اجرایی و دستگاه‌های قضایی استیلا و سیطره می‌یابد، باید در این حوزه‌ها در مصادیق جزئی متحقق گردد، تحقق این قوانین منوط به تشخیص مصداق صحیح آن قانون توسط قضات و مدیران است، ولی اگر به همراه این قوانین، پیوست‌های فرهنگی و نگرشی وجود نداشته باشد، قضات و مدیران در تشخیص مصداق متحیر می‌شوند و در بسیاری از موارد ممکن است منجر به خطا شوند.

۲-۲-۵) قوانین مدنی نیازمند تشخیص اهم و مهم در مورد تراجم هستند و

انتخاب اهم توسط قضات و مدیران مبتنی بر داشتن نگرش فراقه‌پی و فراقانونی به مسائلی نظیر طلاق لازم است و این نگرش می‌تواند از طریق تلفیق رویکردهای مختلف دانش به مسأله طلاق در قرآن حاصل شود.

۳-۲-۵) یکی از معضلات بسیار مهم دستگاه‌های قضایی کشور مربوط به حوزه تفسیر قوانین است. آمار نشان می‌دهد اختلاف قضات در تفسیر قوانین چشم‌گیر است، اگر بتوان برای قوانین پیوست‌های نگرشی و فرهنگی تهیه نمود و در اختیار آنان قرار داد به همسان‌سازی تفسیر قانون کمک شایانی شده است و رویکرد پیشنهادی مقاله این است که از زوایای همه دانش‌ها به همه ابعاد فقهی و فراقه‌پی طلاق توجه شود تا راهی برای رسیدن به این نگرش واحد باشد. طراحی این نگرش بر اساس ترابط آیات قرآن می‌تواند محور محکمی برای استدلال و پذیرش این نگرش قرار گیرد و این پیوست‌های نگرشی می‌تواند در تفسیر قانون کاربرد و کارایی قابل توجهی داشته باشد.

منابع

قرآن کریم

- ابن تیمیه، احمد (بی‌تا)، *مقدمه فی اصول التفسیر*، بیروت: منشورات دارمکتبه الحیة.
- احمدیه، مریم (۱۳۸۲)، *موازنه حقوق و اخلاق در خانواده*، چ ۱، تهران: ناشر روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (۱۳۶۳)، *مفردات فی الالفاظ القرآن*، چ ۱، مرتضوی.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷)، *نقد تربیتی*، (تحقیق و نگارش علی حسین‌پناه، صمد سعیدی، سید نقی موسوی)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- امامی، اسدالله (۱۳۶۶)، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامی.

ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق

ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۶۸)، «نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر» کیهان اندیشه، تهران: شماره ۲۸.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱)، *خدا و انسان در قرآن (معناشناسی جهان بینی قرآنی)*، (ترجمه احمد آرام)، تهران: شرکت سهامی انتشار.

بابایی و همکاران، علی اکبر (۱۳۷۹)، *روش شناسی تفسیر*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سمت. بی آزار شیرازی، عبدالکریم (بی تا)، *قرآن ناطق*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفرابن الحسن (۱۳۷۲)، *شرایع الاسلام*، چ ۴، استقلال.

حیدری، علی (۱۳۶۲)، *طلاق در مذاهب*، چ ۱، بی جا.

خراسانی، محمدکاظم (۱۴۱۲ق)، *کفایه الأصول*، چ ۲، بیروت: مؤسسه آل البیت الاحیاء التراث.

خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۶۲)، *ذهن و زبان حافظ*، تهران: نشر نو.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۶۶)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال*

فی وجوه التأویل، قم: نشر ادب حوزه.

رجبی، محمود (۱۳۸۳)، *روش تفسیر قرآن*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

زاهدی فر، بتول (۱۳۸۸)، «ترتیب نزول آیات طلاق»، پایان نامه سطح سوم حوزه، رشته

فقه، قم: جامعه الزهراء.

جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۰۳ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*،

چ ۲، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیة.

سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *الاتقان فی علوم القرآن*، مصر: دارالمصر.

سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *تناسق فی تناسب الآیات و السور*، سوریه: دارالکتب العربی.

شهابی، محمود (۱۳۶۹)، *ادوار فقه*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۵ق)، *دروس فی علم الأصول*، بیروت: دارالتراث مجمع جهانی

شهید آیت الله صدر.

صدر، محمدباقر (بی تا)، *المدرسه القرآنیه*، بیروت: دارالتراث للمطبوعات.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۵۰) *مجمع البیان*، (مترجم محمد مفتاح) تنظیم رضا ستوده، تهران: چ ۱، انتشارات فراهانی.
- طریحی، فریدالدین (بی تا)، *مجمع البحرین*، قم: مؤسسه البعثه.
- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۶)، «زبان‌شناسی شناختی»، *فصلنامه ذهن*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۳۱.
- قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۸ق)، *قوانین الاصول*، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- کاشف، محمد جواد (۱۳۸۷) *معنیه*، (ترجمه موسی دانش) قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- قمی، نیشابوری، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چ ۲، بیروت: مؤسسه الاوفاء.
- محقق، محمدباقر (۱۳۶۰)، *حقوق مدنی زوجین*، چ ۳، انتشارات بنیاد قرآن.
- مسلم، مصطفی (۱۴۱۸ق)، *مباحث فی التفسیر الموضوعی*، دمشق: دارالقلم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۰۹ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: چاپخانه مهر.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۶)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، *قرآن و آخرین پیامبر*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۰۴ق)، *قوائد الاصول*، قم: نشرالاسلامی.
- نجفی، محمدحسین (۱۳۶۶)، *جواهر الکلام*، قم: انتشارات اسلامی.